

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

به اسم الله رحمان رحيم

حَمْدٌ تَنْزِيلُ الْكِتَابِ مِنَ اللَّهِ الْعَزِيزِ الْعَلِيمِ غَافِرٌ

لحم * نزول کتابیست از الله العزیز العلیم * غافر

الدَّانِبِ وَقَابِلِ التَّوْبِ شَدِيدِ الْعِقَابِ ذِي الطُّوْلِ لَا إِلَهَ

گناه و قبول کننده توبه، شدید انتقام گیر با توان. لا اله

إِلَّا هُوَ إِلَيْهِ الْمَصِيرُ^٣ مَا يُجَادِلُ فِي آيَاتِ اللَّهِ إِلَّا الَّذِينَ

إِلَّا هُوَ. بسوی اوست مصیر * نکند مجادله در آیات الله الا آنانکه

كَفَرُوا فَلَا يَغْرُرُكَ تَقَلُّبُهُمْ فِي الْبِلَادِ^٤ كَذَّبَتْ قَبْلَهُمْ قَوْمٌ

کفر کردند پس ندهد فریبت تقلب آنها در شهرها * تکذیب کردند قبل از آنها قوم

نُوحٍ وَالْأَحْزَابِ مِنْ بَعْدِهِمْ وَهَمَّتْ كُلُّ أُمَّةٍ بِرَسُولِهِمْ

نوح و احزاب از بعد آنها. و همت کرد هر امت علیه رسولش

لِيَأْخُذُوهُ وَجَادِلُوا بِالْبَاطِلِ لِيُدْحِضُوا بِهِ الْحَقَّ فَأَخَذْتَهُمْ

تا گرفتار کنند او را و جدال کردند بیاطل تا پامال کنند حق را بآن پس گرفتار کرد آنها را.

فَكَيْفَ كَانَ عِقَابِ ۝ وَكَذَلِكَ حَقَّتْ كَلِمَتُ رَبِّكَ عَلَى الَّذِينَ

پس چطور بود عقوبت * و همچنان حق است کلمه رب تو بر آنانکه

كَفَرُوا إِنَّهُمْ أَصْحَابُ النَّارِ ۖ الَّذِينَ يَحْمِلُونَ الْعَرْشَ وَمَنْ

کفر کردند، آنها اند اصحاب آتش. * آنانکه میکنند حمل عرش را و هر که

حَوْلَهُ يُسَبِّحُونَ بِحَمْدِ رَبِّهِمْ وَيُؤْمِنُونَ بِهِ وَيَسْتَغْفِرُونَ لِلَّذِينَ

ماحول آن اند گویند سبح بحمد رب خود و دارند ایمان باو و خواهند مغفرت برای

أَمْنُوا رَبَّنَا وَسِعْتَ كُلَّ شَيْءٍ رَّحْمَةً وَعِلْمًا فَاغْفِرْ لِلَّذِينَ

ایمان داران. "رب ما وسعت داری بکل شیء از رحمت و علم بکن مغفرت بکسان

تَابُوا وَاتَّبَعُوا سَبِيلَكَ وَقِهِمْ عَذَابَ الْجَحِيمِ ۗ رَبَّنَا وَأَدْخِلْهُمْ

تائب که متابعت میکنند سبیلترا، وقایه کن آنها را از عذاب جحیم* رب ما و داخل کن آنها را

جَدَّتْ عَدْنُ الْإِثْمِيِّ وَعَدَّتْهُمْ وَمَنْ صَلَّى مِنْ آبَائِهِمْ وَ

بجنات عدن که وعده کردی برایشان و هر که صالح است از آباء آنها و

أَزْوَاجِهِمْ وَذُرِّيَّتِهِمْ إِنَّكَ أَنْتَ الْعَزِيزُ الْحَكِيمُ^{ل۵} وَقِهِمْ

ازواج آنها و فرزندان آنها. یقیناً توئی العزیز الحکیم * وقایه کن آنها را

السَّيِّئَاتِ^ط وَمَنْ تَقِيَ السَّيِّئَاتِ يَوْمَئِذٍ فَقَدْ رَحِمْتَهُ^ط وَذَلِكَ

از بدی ها. و هر کرا وقایه کردی از بدی ها آنروز یقیناً رحمت کردی. و اینست

هُوَ الْقَوْزُ الْعَظِيمُ^۹ إِنَّ الَّذِينَ كَفَرُوا يُنَادُونَ لَمِقتُ اللَّهِ

همان کامیابی عظیم * یقیناً بکسان کافر میشود ندا "تنفر الله

أَكْبَرُ مِنْ مَّقْتِكُمْ أَنْفُسَكُمْ إِذْ تُدْعَوْنَ إِلَى الْإِيمَانِ فَتَكْفُرُونَ^{۱۰}

بیشتر است از تنفر شما بنفس شما چون شدید دعوت بسوی ایمان مگر کردید کفر *

قَالُوا رَبَّنَا آمَنَّا اثنَتَيْنِ وَاَحْيَيْتَنَا اثنَتَيْنِ فَاَعْتَرَفْنَا بِذُنُوبِنَا

گویند رب ما موت دادی مارا دو بار و حیات دادی دو بار میکنیم اعتراف بگناهان خود

فَهَلْ إِلَىٰ خُرُوجٍ مِّنْ سَبِيلٍ ۗ ۝ ذَلِكُمْ بِأَنَّهُ إِذَا دُعِيَ اللَّهُ وَحْدَهُ

آیا هست برای خروج کدام راهی * اینطور چون دعا میشد بالله واحد

كَفَرْتُمْ وَإِنْ يُشْرِكْ بِهِ تُؤْمِنُوا فَالْحُكْمُ لِلَّهِ الْعَلِيِّ الْكَبِيرِ ۗ ۝ هُوَ

کفر میکردید و اگر میشد شرک با او قبول میکردید. فَالْحُكْمُ لِلَّهِ الْعَلِيِّ الْكَبِيرِ * اوست

الَّذِي يُرِيكُمْ آيَاتِهِ وَيُنَزِّلُ لَكُمْ مِنَ السَّمَاءِ رِزْقًا وَمَا يَتَذَكَّرُ

آنکه مینماید بشما آیات خود را و میکند نازل بشما از سماء رزق. و نشود متذکر

(١) آگاه باشید که حکم بدست الله عالی کبیر است.

إِلَّا مَنْ يُنِيبُ ﴿۱۳﴾ فَادْعُوا اللَّهَ مُخْلِصِينَ لَهُ الدِّينَ وَلَوْ كَرِهَ

الا آنکه منیب است * کنید دعا بالله مخلص باو بدین ولو باشد کریه

الْكَافِرُونَ ﴿۱۴﴾ رَفِيعُ الدَّرَجَاتِ ذُو الْعَرْشِ يُلْقِي الرُّوحَ مِنْ أَمْرِهِ

برای کافران * رفیع الدرجات است صاحب عرش. کند ملاقای روح را به امر خود

عَلَى مَنْ يَشَاءُ مِنْ عِبَادِهِ لِيُنذِرَ يَوْمَ التَّلَاقِ ﴿۱۵﴾ يَوْمَ هُمْ بَارِزُونَ

بر هر که خواهد از عبادش تا دهد اخطار از یوم ملاقات * یومیکه آنها کنند بروز

لَا يَخْفَى عَلَى اللَّهِ مِنْهُمْ شَيْءٌ لِمَنِ الْمُلْكُ الْيَوْمَ لِلَّهِ الْوَاحِدِ

نباشد مخفی بر الله هیچ شیء آنها. "از کیست پادشاهی امروز." "از الله واحد

الْقَهَّارِ ﴿١٦﴾ الْيَوْمَ تُجْزَى كُلُّ نَفْسٍ بِمَا كَسَبَتْ لَا ظُلْمَ الْيَوْمَ

قهار" * امروز رسد جزا بهر نفس آنچه کسب کرد. نباشد ظلم امروز.

إِنَّ اللَّهَ سَرِيعُ الْحِسَابِ ﴿١٧﴾ وَأَنْذِرْهُمْ يَوْمَ الْأُزْفَةِ إِذِ الْقُلُوبُ

یقیناً الله است سریع الحساب * و بده اخطار بآنها از یوم آمدنی، وقتی قلبها

لَدَى الْكُنَاجِرِ كَاطْمِينَهُ مَالِ الظَّالِمِينَ مِنْ حَمِيمٍ وَلَا شَفِيعٍ

رسد بجنجره های کاظمان. نباشد برای ظالمان کدام دوستی و نه شفاعتگری

يُطَاعُ^ط ۱۸ يَعْلَمُ خَائِنَةَ الْأَعْيُنِ وَمَا تُخْفِي الصُّدُورُ ۱۹ وَاللَّهُ

مطیع. * دارد علم بخیانت چشمها و آنچه کند مخفی سینه ها * و الله

يَقْضَى بِالْحَقِّ وَالَّذِينَ يَدْعُونَ مِنْ دُونِهِ لَا يَقْضُونَ

میکند قضاوت بحق. و آنانکه میکنند دعا بعوض او ندارند قضاوت

بَشَىٰ ۙ اِنَّ اللّٰهَ هُوَ السَّمِيعُ الْبَصِيرُ ۙ ﴿۴۰﴾ اَوْلَمْ يَسِيرُوا فِي

بشیی. یقیناً الله هست السَّمِيعُ الْبَصِيرُ * آیا چرا نمیکنند سیر در

الْاَرْضِ فَيَنْظُرُوْا كَيْفَ كَانَ عَاقِبَةُ الَّذِيْنَ كَانُوْا مِنْ قَبْلِهِمْ ۙ

زمین تا کنندنظر چطور بود عاقبت آنانکه بودند از قبل آنها.

كَانُوْا هُمْ اَشَدَّ مِنْهُمْ قُوَّةً وَّاَثَارًا فِي الْاَرْضِ فَآخَذَهُمُ اللّٰهُ

بودند آنها اشد ازاینها بقوت و آثار در زمین، کرد اخذ آنها را الله

بِذُنُوبِهِمْ^ط وَمَا كَانَ لَهُمْ مِنَ اللَّهِ مِنْ وَّاقٍ^{٢١} ذَلِكَ بِأَنَّهُمْ كَانَتْ

بگناهان ایشان. و نباشد برایشان از الله کدام وقایه * چنین بسبب آنکه

تَأْتِيهِمْ رُسُلُهُمْ بِالْبَيِّنَاتِ فَكَفَرُوا فَآخَذَهُمُ اللَّهُ إِنَّهُ قَوِيٌّ

میآید برایشان رُسل آنها با بینات و کردند کفر، کرد اخذ آنها را الله. یقیناً اوست قوی

شَدِيدُ الْعِقَابِ^{٢٢} وَلَقَدْ أَرْسَلْنَا مُوسَىٰ بِآيَاتِنَا وَسُلْطٰنٍ مُّبِينٍ^{٢٣}

شَدِيدُ الْعِقَابِ * و البته ارسال کردیم موسی را با آیات خود و حجت مبین *

إِلَىٰ فِرْعَوْنَ وَهَامَانَ وَقَارُونَ فَقَالُوا سِحْرٌ كَذَّابٌ ﴿۲۴﴾ فَلَمَّا

نزد فرعون و هامان و قارون مگر گفتند ساحر است کذاب * وقتی

جَاءَهُمْ بِالْحَقِّ مِنْ عِنْدِنَا قَالُوا اقْتُلُوا أَبْنَاءَ الَّذِينَ آمَنُوا

آمد برایشان با حق از نزد ما گفتند قتل کنید پسران کسان مؤمن را

مَعَهُ وَاسْتَحْيُوا نِسَاءَهُمْ وَمَا كَيْدُ الْكٰفِرِينَ إِلَّا فِي ضَلٰلٍ ﴿۲۵﴾

همراهی و باندحیات نساء آنها را. و نباشد کید کافران الا در گمراهی *

وَقَالَ فِرْعَوْنُ ذَرُونِي أَقْتُلْ مُوسَى وَلْيَدْعُ رَبِّي إِنِّي أَخَافُ

و گفت فرعون بگذارید مرا کنم قتل موسی را، باز کند دعا برایش. منم بخوف

أَنْ يُبَدِّلَ دِينَكُمْ أَوْ أَنْ يُظْهِرَ فِي الْأَرْضِ الْفُسَادَ ۖ وَقَالَ

که کند بدل دین شمارا یا که دهد ظهور در زمین فساد * و گفت

مُوسَى إِنِّي عُذْتُ بِرَبِّي وَرَبِّكُمْ مِنْ كُلِّ مُتَكَبِّرٍ لَا يُؤْمِنُ

موسی من پناه برم بر بربم و رب شما از همه متکبر بی ایمان

بِیَوْمِ الْحِسَابِ^{۴۷} وَقَالَ رَجُلٌ مُّؤْمِنٌ مِّنْ آلِ فِرْعَوْنَ يَكْتُمُ

بِیوم حساب * و گفت مردی مؤمنی از آل فرعون، داشت پنهان

اِیْمَانَهُ، اتَّقَتُلُونِ رَجُلًا اَنْ یَّقُولَ رَبِّیَ اللّٰهُ وَقَدْ جَاءَكُمْ

ایمانش را، آیا میکنید قتل مردی را که میگوید ربم الله است و البته آمده نزد شما

بِالْبَیِّنَاتِ مِنْ رَبِّكُمْ وَاِنْ یَاذِبًا فَعَلَيْهِ كَذِبُهُ وَاِنْ

با بینات از رب شما. و اگر باشد کاذب، علیه اوست کذبش، و اگر

يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا صَادِقًا يُصِيبُكُمْ بَعْضُ الَّذِي وَعَدْتُمْ إِنَّ اللَّهَ لَا يَهْدِي الْقَوْمَ الظَّالِمِينَ

باشد صادق شود نصیب شما بعضی آنچه دهد وعده بشما. یقیناً الله نکند هدایت

مَنْ هُوَ مُسْرِفٌ كَذَّابٌ * يَقَوْمِ لَكُمْ الْبُلْكَ الْيَوْمَ ظَاهِرِينَ

آنکه هست مسرف کذاب * یا قومم از شماست ملک امروز، ظاهر هستید^۱

فِي الْأَرْضِ فَمَنْ يَنْصُرُنَا مِنَ بَنِي إِسْرَائِيلَ إِنَّ اللَّهَ يُجِيبُ دُعَاءَ الْمُتَّقِينَ

در زمین، مگر کی کند نصرت بما از عذاب الله که بیاید بر ما. گفت

(۱) ظاهرین: غالب هستید، دست والا از شماست.

فَرَعُونَ مَا أُرِيكُمْ إِلَّا مَا أَرَىٰ وَمَا أَهْدِيكُمْ إِلَّا سَبِيلَ

فرعون ندهم نشان بشما الا آنچه بينم و نكنم هدايت شمارا الا بسبيل

الرِّشَادِ ۲۹ وَقَالَ الَّذِي آمَنَ يَوْمَ رَأَىٰ أَخَافُ عَلَيْكُمْ مِثْلَ

رشاد * و گفتم آنکه داشت ايمان يا قومم، من دارم خوف بر شما مثل

يَوْمِ الْأَحْزَابِ ۳۰ مِثْلَ دَابِ قَوْمِ نُوحٍ وَعَادٍ وَثَمُودَ وَالَّذِينَ

روزگار احزاب را * مثل حال قوم نوح و عاد و ثمود و کسان

مِنْ بَعْدِهِمْ وَمَا اللَّهُ يُرِيدُ ظُلْمًا لِّلْعِبَادِ ۗ وَيَقَوْمِ اِنِّيْ اَخَافُ

از بعد آنها. و ندارد الله اراده ظلم بر عبادش * و یا قومم، منم بخوف

عَلَيْكُمْ يَوْمَ التَّنَادِ ۗ يَوْمَ تُوَلُّوْنَ مُدْبِرِيْنَ مَا لَكُمْ مِّنْ اِلٰهِ

بر شما یوم که شود ندا * روزیکه میگردانید پشت برهم. ندارید شما بجای الله

مِّنْ عَاصِمٍ ۗ وَمَنْ يُضِلِلِ اللّٰهُ فَمَا لَهُ مِنْ هَادٍ ۗ وَلَقَدْ جَاءَكُمْ

کدام عاصم. و هرکرا کند گمراه الله نباشد برایش کدام هادی * والبته آمد بشما

يُوسُفُ مِنْ قَبْلُ بِالْبَيِّنَاتِ فَمَا زِلْتُمْ فِي شَكِّكُمْ مَا جَاءَكُمْ بِهِ ط

یوسف از قبل با بینات نکردید اباء از شك با آنچه آمد برایشما بآن.

حَتَّىٰ إِذَا هَلَكَ قُلْتُمْ لَنْ يَبْعَثَ اللَّهُ مِنْ بَعْدِهِ رَسُولًا كَذَلِكَ

حتى که هلاک شد گفتید باز نکند بعث الله از بعد او رسولی. چنین

يُضِلُّ اللَّهُ مَنْ هُوَ مُسْرِفٌ مُرْتَابٌ ۚ ^{ج ص ۳۴} الَّذِينَ يُجَادِلُونَ فِي

کند گمراه الله هر که باشد مسرف شکاک * آنانکه میکنند جدال در

آيَاتِ اللَّهِ بِغَيْرِ سُلْطَانٍ أَتَتْهُمْ كِبْرًا مَقْتًا عِنْدَ اللَّهِ وَعِنْدَ

آیات الله بغیر حجتی باشد برایشان. بزرگ جسارتیست نزد الله و نزد

الَّذِينَ آمَنُوا كَذَلِكَ يَطْبَعُ اللَّهُ عَلَى كُلِّ قَلْبٍ مُتَكَبِّرٍ جَبَّارٍ ﴿٣٥﴾

کسان ایماندار. چنین میکند مهر الله بر هر قلب متکبر جبار *

وَقَالَ فِرْعَوْنُ يَا هَامَانَ ابْنِ لِي صَرْحًا لَعَلِّي أَبْلُغُ الْأَسْبَابَ ﴿٣٦﴾

وگفت فرعون یا هامان بناکن برایم قصری تا شاید برسم به اسباب *

اَسْبَابَ السَّمَاوَاتِ فَاطَّلَعَ إِلَىٰ إِلَهِ مُوسَىٰ وَإِنِّي لَأَظُنُّكَ كَاذِبًا وَّكَذَلِكَ

اسباب سماوات تا بنگرم بخدای موسی ومن میپندارم اورا کاذب. واینطور

زَيْنَ لِفِرْعَوْنَ سُوءِ عَمَلِهِ وَصَدَّ عَنِ السَّبِيلِ وَمَا كَيْدُ

مزین بود بفرعون بدی اعمال او و بازداشت اورا از راه (حق). و نبود حيله

فِرْعَوْنَ إِلَّا فِي تَبَابٍ^{۳۷} وَقَالَ الَّذِي آمَنَ يَوْمَ اتَّبَعُونَ

فرعون الا در تباهی* و گفت آنکه داشت ایمان یا قومم کنید متابعتم

أَهْدِكُمْ سَبِيلَ الرَّشَادِ^ج ^{۳۸} يَقَوْمِ إِنَّمَا هِيَ هِ الْحَيَاةُ الدُّنْيَا مَتَاعٌ

کنم هدایت شمارا بر راه رشاد * یا قومم یقیناً این حیات دنیاست متاع

وَإِنَّ الْأَخِرَةَ هِيَ دَارُ الْقَرَارِ^{۳۹} مَنْ عَمِلَ سَيِّئَةً فَلَا يُجْزَى

و یقیناً آخرت باشد دارالقرار * هرکه عمل بد کند نبیند جزاء

إِلَّا مِثْلَهَا^{۴۰} وَمَنْ عَمِلَ صَالِحًا مِّنْ ذَكَرٍ أَوْ أَنثَىٰ وَهُوَ مُؤْمِنٌ

الا مثل آن. و هرکه عمل صالح کند از مرد یا زن و باشد مؤمن

فَأُولَٰئِكَ يَدْخُلُونَ الْجَنَّةَ يُرْزَقُونَ فِيهَا بِغَيْرِ حِسَابٍ ﴿٤٠﴾

باز آنها میشوند داخل جنت، میشوند رزق داده آنجا بغير حساب* و

يَقُومُ مَا لِي أَدْعُوكُمْ إِلَى النَّجْوَةِ وَتَدْعُونَنِي إِلَى النَّارِ ﴿٤١﴾

يا قوم چه مرا که میکنم دعوت شمارا بسوی نجات و میکنید دعوتم بسوی آتش*

تَدْعُونَنِي لِأَكْفُرَ بِاللَّهِ وَأُشْرِكَ بِهِ مَا لَيْسَ لِي بِهِ عِلْمٌ وَأَنَا

میکنید دعوتم تاکنم کفر بالله وکنم شریک باو آنچه نیست مرا برآن علم و من

ادْعُوكُمْ إِلَى الْعَزِيزِ الْغَفَّارِ ﴿٤٢﴾ لَأَجْرَمَ أَنْتُمْ تَدْعُونَنِي إِلَيْهِ لَيْسَ

میکنم دعوت شمارا بعزیز غفار * لاجرم با آنچه می کنید دعوتم بسویش نیست

لَهُ دَعْوَةٌ فِي الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ وَأَنْ مَرَدَّنَا إِلَى اللَّهِ وَأَنَّ

اورا دعوتی در دنیا و نه در آخرت و یقیناً مراد ما بسوی الله و یقیناً

الْمُسْرِفِينَ هُمْ أَصْحَابُ النَّارِ ﴿٤٣﴾ فَسَتَذَكُرُونَ مَا أَقُولُ لَكُمْ ط

اسراف کنندگان اند اهل آتش * باز میشوید متذکر آنچه میگویم بشما.

وَأُفَوِّضُ أَمْرِي إِلَى اللَّهِ إِنَّ اللَّهَ بَصِيرٌ بِالْعِبَادِ ﴿٤٤﴾ فَوْقَهُ

و میسپارم امرم را به الله. یقیناً الله است بصیر بر عبادش * کرد وقایه اورا

اللَّهُ سَيِّئَاتٍ مَّا مَكْرُوهًا وَحَاقَ بِآلِ فِرْعَوْنَ سُوءُ الْعَذَابِ ﴿٤٥﴾

الله از بدی های آنچه مکر کردند و دامن گیر شد آل فرعون را بدترین عذاب *

النَّارُ يُعْرَضُونَ عَلَيْهَا غُدُوًّا وَعَشِيًّا وَيَوْمَ تَقُومُ السَّاعَةُ ﴿٤٦﴾

آتشیکه میشوند معروض^۱ بر آن صبح و شام. بروزیکه شود قایم ساعت

(۱) معروض میشوند: پیش میشوند، دچار میشوند.

ادْخُلُوا آلَ فِرْعَوْنَ اَشَدَّ الْعَذَابِ ﴿٤٦﴾ وَاذْ يَتَحَايَجُونَ فِي النَّارِ

"داخل کنید آل فرعون را به اشد عذاب" * و وقتی کنند مجادله در آتش

فَيَقُولُ الضُّعْفَاءُ الَّذِينَ اسْتَكْبَرُوا اِنَّا كُنَّا لَكُمْ تَبَعًا فَهَلْ

میگوید ضعیفان بکسان متکبر ما که بودیم بشما تابع پس آیا

انْتُمْ مُّغْنُونَ عَنَّا نَصِيبًا مِنَ النَّارِ ﴿٤٧﴾ قَالَ الَّذِينَ اسْتَكْبَرُوا

شما میگیرید از ما اندازه از آتش * گوید کسان متکبر

إِنَّا كُلُّ فِيهَا إِنَّ اللَّهَ قَدْ حَكَمَ بَيْنَ الْعِبَادِ ﴿٤٨﴾ وَقَالَ الَّذِينَ

مائیم تماماً در آن، یقیناً الله کرد حکم بین عبادش * و گوید کسان

فِي النَّارِ لِيُخْزِنَهُ جَهَنَّمَ ادْعُوا رَبَّكُمْ يُخَفِّفْ عَنَّا يَوْمًا مِّنَ

در آتش به والیان جهنم دعا کنید برب خود دهد تخفیف بر ما روزی از

الْعَذَابِ ﴿٤٩﴾ قَالُوا أَوَلَمْ تَكُ تَأْتِيكُمُ رُسُلِكُم بِالْبَيِّنَاتِ ط قَالُوا

عذاب را * گویند آیا که نیامده بود بشما رُسل شما با بینات. گویند

بَلَىٰ قَالُوا فَاذْعُوبُوا وَمَا دُعُوا الْكٰفِرِيْنَ اِلَّا فِي ضَلٰلٍ ۝۴۰ اِنَّا

بلی. گویند پس دعا کنید. و نباشد دعا کافران الا در گمراهی * یقیناً ما

لَنَنْصُرُ رُسُلَنَا وَالَّذِيْنَ اٰمَنُوْا فِي الْحَيٰوةِ الدُّنْيَا وَيَوْمَ يَقُوْمُ

زود دهیم نصرت بررسل و بکسان با ایمان در حیات دنیا و یومیکه شونداقیم

الْاَشْهَادِ ۝۵۱ يَوْمَ لَا يَنْفَعُ الظَّالِمِيْنَ مَعْذِرَتُهُمْ وَلَهُمُ الْعٰنَةُ

شهادا * یومیکه نکند نفع بظالمان معذرت آنها و برای آنهاست لعنت

وَلَهُمْ سُوءُ الدَّارِ ﴿٥٢﴾ وَلَقَدْ آتَيْنَا مُوسَى الْهُدَىٰ وَأَوْرَثْنَا

و برای آنهاست بد جای * و البته دادیم بموسی هدایت و کردیم وارث

بَنِي إِسْرَائِيلَ الْكِتَابَ ﴿٥٣﴾ هُدًى وَّذِكْرًا لِأُولِي الْأَلْبَابِ ﴿٥٤﴾

بنی اسرائیل را بر کتاب * هدایت و پند برای دارندگان خرد *

فَأَصْبِرْ إِنَّ وَعْدَ اللَّهِ حَقٌّ ۖ وَاسْتَغْفِرْ لِذَنْبِكَ وَسَبِّحْ بِحَمْدِ

بکن صبر یقیناً وعده الله است حق و بکن استغفار از گناهت و بکن سبح بحمد

رَبِّكَ بِالْعُشِيِّ وَالْإِبْكَارِ ۝۵۵ إِنَّ الَّذِينَ يُجَادِلُونَ فِي آيَاتِ اللَّهِ

رَبت بیگانه و پگاه * یقیناً آنانکه میکنند جدال در آیات الله

بغَيْرِ حُجَّتٍ أَمْ لِي لِي فِي صُدُورِهِمْ أَكْبُرُ مَا هُمْ

بغیر حجتی آمده باشد برایشان، نیست در سینه هایشان الا کبر، نمیتوانند

بِالْغَيْبِ فَاسْتَعِذْ بِاللَّهِ إِنَّهُ هُوَ السَّمِيعُ الْبَصِيرُ ۝۵۶ لَخَلَقُ

کامیاب شوند. بر پناه به الله. یقیناً او هست السَّمِيعُ الْبَصِيرُ * خلقت

السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضِ أَكْبَرُ مِنْ خَلْقِ النَّاسِ وَلَكِنَّ أَكْثَرَ

سماوات و زمین است بزرگتر از خلقت مردم و لاکن اکثر

النَّاسِ لَا يَعْلَمُونَ ﴿۵۷﴾ وَمَا يَسْتَوِي الْأَعْمَىٰ وَالْبَصِيرُ ۗ وَالَّذِينَ

مردم ندارند علم * و نیست یکسان کور و بصیر و کسان

آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ وَلَا الْمُسِيءُ قَلِيلًا مَّا تَنَكَّرُونَ ﴿۵۸﴾

با ایمان و اعمال صالح و نه بدکار. قلیلاً می شوید متذکر *

إِنَّ السَّاعَةَ لَأْتِيَةٌ لَّا رَيْبَ فِيهَا وَلَكِنَّ أَكْثَرَ النَّاسِ

یقیناً ساعت آمدنی است، نیست شك در آن و لاکن اکثر مردم

لَا يُؤْمِنُونَ ﴿۵۹﴾ وَقَالَ رَبُّكُمْ ادْعُونِي أَسْتَجِبْ لَكُمْ إِنَّ

ندارند ایمان * و میگوید رب شما کنید دعا بمن میکنم استجابت بشما. یقیناً

الَّذِينَ يَسْتَكْبِرُونَ عَنْ عِبَادَتِي سَيَدْخُلُونَ جَهَنَّمَ دَاخِرِينَ ﴿۶۰﴾

آنانکه میکنند تکبر از عبادتم میشوند داخل جهنم سرنگون*

اللَّهُ الَّذِي جَعَلَ لَكُمْ الَّيْلَ لِتَسْكُنُوا فِيهِ وَالنَّهَارَ مُبْصِرًا ط

الله است آنکه ساخت برایشما شب را برای سکون در آن و روز را برای بصیرت.

إِنَّ اللَّهَ لَذُو فَضْلٍ عَلَى النَّاسِ وَلَٰكِنَّ أَكْثَرَ النَّاسِ

یقیناً الله است دارای فضل بر مردم و لکن اکثر مردم

لَا يَشْكُرُونَ ﴿۶۱﴾ ذَٰلِكُمْ اللَّهُ رَبُّكُمْ خَالِقُ كُلِّ شَيْءٍ ۖ لَآ إِلَهَ إِلَّا

نمیکنند شکر * اینست الله رب شما خالق کل شیء. لآ إله إلاَّ

هُوَ فَاَنى تُوَفِّكُونَ ﴿٦٢﴾ كَذٰلِكَ يُؤَفِّكُ الَّذِيْنَ كَانُوْا بِآيٰتِ اللّٰهِ

هُوَ، بکجا شدید منفق * چنین شوند منفق کسانیکه بودند با آیات الله

يُبْحَدُوْنَ ﴿٦٣﴾ اللّٰهُ الَّذِىْ جَعَلَ لَكُمْ الْاَرْضَ قَرَارًا وَالسَّمَآءَ

درانکار * الله ست آنکه ساخت برایشما زمین را قرارگاه و سماء را

بِنَاءٍ وَّصُوْرَكُمْ فَاَحْسَنَ صُوْرَكُمْ وَّرَزَقَكُمْ مِّنَ الطَّيِّبٰتِ ط

بناء و صورت داد بشما، بس احسن صورت داد بشما و رزق داد بشما از پاکى ها.

ذِكْرُ اللَّهِ رَبِّكُمْ مُبَارَكٌ اللَّهُ رَبُّ الْعَالَمِينَ ﴿٦٤﴾ هُوَ الْحَيُّ لَا إِلَهَ

اینست الله رب شما. بابرکت است الله رب العالمین * اوست حیات، لا اله

إِلَّا هُوَ فَادْعُوهُ مُخْلِصِينَ لَهُ الدِّينَ ط الْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ

الَّا هُوَ کنید دعا باو، خالص ساخته باو دین را. الْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ

الْعَالَمِينَ ﴿٦٥﴾ قُلْ إِنِّي نُهَيْتُ أَنْ أَعْبُدَ الَّذِينَ تَدْعُونَ مِنْ

العلمین * بگو من نهی شدم که کنم عبادت آنرا که شما می کنید دعا به

دُونَ اللَّهِ لِمَا جَاءَنِي الْبَيْتُ مِنْ رَبِّي وَأُمرْتُ أَنْ أُسَلِّمَ

عوض الله چون آمد برایم بینات از ربم. و شدم امر که شوم تسلیم

لِرَبِّ الْعَالَمِينَ ﴿٤٦﴾ هُوَ الَّذِي خَلَقَكُمْ مِنْ تُرَابٍ ثُمَّ مِنْ

برب العلمین * اوست آنکه خلق کرد شمارا از خاک باز از

نُطْفَةٍ ثُمَّ مِنْ عَلَقَةٍ ثُمَّ يُخْرِجُكُمْ طِفْلًا ثُمَّ لِتَبْلُغُوا

نطفه باز از علقه باز کند خارج شمارا طفل باز که بالغ شوید

أَشَدَّكُمْ ثُمَّ لَتَكُونُوا شُيُوخًا وَمِنْكُمْ مَنْ يُتَوَفَّى مِنْ قَبْلُ

بقوت خود باز که شوید پیر. و از شما کسی میکند فوت از قبل

وَلِتَبْلُغُوا أَجَلَ مَسْمَىٰ وَلِعَلَّكُمْ تَعْقِلُونَ ﴿٤٧﴾ هُوَ الَّذِي يُحْيِي

تا که برسید باجل مسمای و برای اینکه کنید تعقل * اوست آنکه دهد حیات

وَيُمِيتُ فَإِذَا قَضَىٰ أَمْرًا فَإِنَّمَا يَقُولُ لَهُ كُنْ فَيَكُونُ ﴿٤٨﴾ أَلَمْ

و دهد موت . چون کند قضاء به امری فقط میگوید برایش شو! میشود * آیا نه

تَرَىٰ إِلَىٰ الَّذِينَ يُجَادِلُونَ فِي آيَاتِ اللَّهِ أَنِّي يُصْرَفُونَ ^{مثلاً} الَّذِينَ ^{٦٩}

دیدى بسوی آنانکه میکنند مجادله در آیات الله. کجا شده اند منصرف * کسانیکه

كَذَّبُوا بِالْكِتَابِ وَبِأَرْسُلِنَا بِهِ رُسُلَنَا فَسَوْفَ يَعْلَمُونَ ^{٧٠}

تکذیب کنند کتاب را و بآنچه ارسال کردیم رُسل خود را، بس زود میاید علم آنها *

إِذَا الْغُلُوفُ فِي أَعْنَاقِهِمْ وَالسَّلْسِلُ ^{٧١} يُسْحَبُونَ فِي الْحَمِيمِ

وقتی غلیده ها باشد بگردنهایشان و سلاسل^۱ میشوند کشیده * در جوشان

(۱) سلاسل: زنجیرها.

ثُمَّ فِي النَّارِ يُسْجَرُونَ ﴿٧٢﴾ ثُمَّ قِيلَ لَهُمْ آيِنَ مَا كُنْتُمْ

باز در آتش می سوزند * باز گفته شود بآنها کجاست آنچه میگردید

تُشْرِكُونَ ﴿٧٣﴾ مِنْ دُونِ اللَّهِ قَالُوا ضَلُّوا عَنَّا بَلْ لَمْ نَكُنْ نَدْعُوا

شريك * بجای الله. گویند گم شدند ازما، بلکه نمی کردیم ما دعا

مِنْ قَبْلُ شَيْءًا كَذَلِكَ يُضِلُّ اللَّهُ الْكَافِرِينَ ﴿٧٤﴾ ذَلِكُمْ بِمَا كُنْتُمْ

از قبل بچیزی. چنین کند گمراه الله کافران را * چنین که شما

تَفْرَحُونَ فِي الْأَرْضِ بِغَيْرِ الْحَقِّ وَبِمَا كُنْتُمْ تَمْرَحُونَ ﴿٧٥﴾ ادْخُلُوا

تفریح میکردید در زمین بغير حق و چونکه بودید نازمندان * شويد داخل

أَبْوَابَ جَهَنَّمَ خَالِدِينَ فِيهَا فَبِئْسَ مَثْوَى الْمُتَكَبِّرِينَ ﴿٧٦﴾

بدرهای جهنم خالد کنید آنجا. و بد جایست برای متکبرین *

فَأَصْبِرْ إِنَّ وَعْدَ اللَّهِ حَقٌّ ﴿٧٦﴾ فَمَا نُرِيكَ بِعُضِّ الذِّمَى

بکن صبر یقیناً وعده الله است حق. پس اگر کنیم نمایان بتو بعضی آنچه

نَعِدُهُمْ أَوْ نَتَوَفَّيْكَ فَإِلَيْنَا يَرْجِعُونَ ﴿٧٧﴾ وَلَقَدْ أَرْسَلْنَا

دهیم وعده بآنها یا دهیم وفات ترا، بنزد ما میکنند رجعت * و البته ارسال کردیم

رُسُلًا مِّنْ قَبْلِكَ مِنْهُمْ مَّنْ قَصَصْنَا عَلَيْكَ وَمِنْهُمْ مَّنْ

رُسل از قبل تو، از آنهاست آنکه قصه کردیم بتو و از آنهاست آنکه

لَمْ نَقْصُصْ عَلَيْكَ وَمَا كَانَ لِرَسُولٍ أَنْ يَأْتِيَ بِآيَةٍ

نکردیم قصه برای تو. و نیست بر رسول که بیارد آیتی

إِلَّا بِإِذْنِ اللَّهِ فَإِذَا جَاءَ أَمْرُ اللَّهِ قُضِيَ بِالْحَقِّ وَخَسِرَ

الا به اذن الله. وقتی بیاید امر الله قضاء کند بحق و خساره کند

هُنَالِكَ الْمُبْطِلُونَ^{۷۸} اللَّهُ الَّذِي جَعَلَ لَكُمْ الْأَنْعَامَ لِتَرْكَبُوا

همانگاه باطل پسندان * الله است که ساخت برایشما انعام را تا سوار شوید^۱

مِنْهَا وَمِنْهَا تَأْكُلُونَ^{۷۹} وَلَكُمْ فِيهَا مَنَافِعُ وَلِتَبْلُغُوا عَلَيْهَا

بر آنها و از آنها بخورید * و بشماست دران منافع تا که برسید بر آنها

(۱) برای شما مرکب باشد، بر آن را کب شوید.

حَاجَةً فِي صُدُورِكُمْ وَعَلَيْهَا وَعَلَى الْفُلْكِ تُحْمَلُونَ^ط ۸۰

بحاجتی در سینه خود، و بر آنها و بر کشتی شوید حمل *

وَيُرِيكُمْ آيَاتِهِ^ص فَآيَسَ آيَاتِ اللَّهِ تُنْكِرُونَ^{۸۱} أَفَلَمْ يَسِيرُوا

و بنماید بشما آیاتش را. بکدام آیات الله میکنید انکار * آیا نکردند سیر

فِي الْأَرْضِ فَيَنْظُرُوا كَيْفَ كَانَ عَاقِبَةُ الَّذِينَ مِنْ قَبْلِهِمْ^ط

در زمین تا کنند نظر چگونه بود عاقبت کسان از قبل اینها.

كَانُوا أَكْثَرَ مِنْهُمْ وَأَشَدَّ قُوَّةً وَآثَارًا فِي الْأَرْضِ فَمَا أَغْنَىٰ

بودند اکثر از اینها و اشد بقوت و آثار در زمین، نکرد مفاد

عَنْهُمْ مَّا كَانُوا يَكْسِبُونَ ﴿۸۲﴾ فَلَبَّأَ جَاءَتْهُمْ رُسُلُهُم بِالْبَيِّنَاتِ

برایشان آنچه کردند بودند کسب * وقتی آمد برایشان رُسل آنها با بینات

فَرِحُوا بِمَا عِنْدَهُمْ مِنَ الْعِلْمِ وَحَاقَ بِهِمْ مَا كَانُوا بِهِ

فرحمند شدند بآنچه نزد ایشان بود از علم و دامن گیر شد آنها را آنچه همواره بر آن

يَسْتَهْزِءُونَ ﴿۸۳﴾ فَلْيَا رَاوَا بِأَسْنَا قَالُوا أَمَّا بِاللَّهِ وَحْدَهُ وَ

میکردند استهزاء * وقتی دیدند زور مارا گفتند ایمانداریم بالله واحد و

كُفْرًا بِمَا كُتِّبَ بِهِ مُشْرِكِينَ ﴿۸۴﴾ فَلَمْ يَكُ يَنْفَعُهُمْ إِيْمَانُهُمْ

منکریم بر آنچه میکرديم باو شريك * پس نشد که کند نفع برایشان ایمان آنها

لَهُمَا رَاوَا بِأَسْنَا سُنَّتَ اللَّهِ الَّتِي قَدْ خَلَتْ فِي عِبَادِهِ ج وَ

وقتی دیدند زور مارا. سنت الله است که چنین گذشت در بندگان وی. و

خَسِرْهُنَّ اِلَيْكَ الْكٰفِرُوْنَ ۝۴

خساره مند شدند آنگاه کافران *